

موشه ای از :

## تاریخ معاصر عراق

توضیح لازم :

معرفی جهان اسلام و نوشتن تاریخ آن ، مستلزم آنست که ما با کمال بیطرفی ، حقایق تاریخی مربوط به سرزمین اسلامی را بدون پرده بنویسیم ، و اگر در طول تاریخ آن استعمارگری بدان تجاوز نموده باشد ، ما جرأت ؛ بعنوان يك مسئله تاریخی انجام شده بنویسیم و البته این راهی است که اصولاً باید هر مورخ واقع بین غیر آنرا نپیماید .

بنابر این اگر ما در ضمن تاریخ عراق ( و یاد آورنده ضمن تاریخ سودان ، مصر ، نیپریه ، شبه جزیره هند ، پاکستان ؛ بحرین ، و شیخ نشینهای خلیج فارس و ... ) بسوابق تاریخی استعمار انگلستان اشاره میکنیم ، غرضی جز تاریخ نویسی نداریم و منظور اساسی ما بیان واقیعت های تاریخی است که در این سرزمین و یا سرزمینهای اسلامی دیگر ، بوقوع پیوسته ، و البته در کتابهای مربوطه هم بتفصیل شرح داده شده است .

روی این اصل بسیار روشن است که روش مادر معرفی همه سرزمینهای اسلامی چنین خواهد بود ، و ناگزیریم که مثلاً در تاریخ کشور اسلامی آلبانی ( مستعمره کمونیسم ) با استعمار کمونیسم و در تاریخ سرزمینهای اسلامی آسیای مرکزی و ترکستان

شوروی) که استعمار شوروی برای در هم کوبیدن تشکیل نیروهای اسلامی این سرزمینها را به جمهوریهای کوچک تر کمستان، ازبکستان، قرقیزستان تاجیکستان تقسیم نموده و از آن طرف هم مرکز مسلمان نشین . قفقاز را به جمهوری آذربایجان شوروی تبدیل نموده است . . .) با استعمار شوروی ، و در تاریخ اندونزی با استعمار هلند و در تاریخ لیبی و سو مالی با استعمار ایتالیا و در تاریخ کشمیر با استعمار هند و در تاریخ مراکش ، تونس الجزائر و . . با استعمار فرانسه ، و در معرفی فلسطین سرزمین غصب شده اسلامی ، با استعمارهایی که عامل این ضایعه بزرگ شده اند و در معرفی کشورهای از قاره سیاه (آفریقا) با استعمار بلژیک و پرتغال و . . اشاره کنیم و البته هر گز هم منظور ما از این امر پیش کشیدن بحثهای سیاسی نبوده و نخواهد بود . . .

امید داریم که این توضیح اجمالی ، برای خوانندگان محترم کافی بوده و هر گونه سوء تفاهم احتمالی را رفع و دفع نماید .

### عراق و فیصل اول

ماجرای تاجگذاری فیصل را در شماره قبل خواندید . . . پس از روی کار آمدن فیصل با اینکه بصورت ظاهر دولت عراق را «هیئت وزیران عراقی» تشکیل میداد ولی انگلیسها بوسیله مستشارانی که دروازه‌خانه‌های مختلف و مراکز حساس داشتند، سر رشته دار کارها بودند .

البته ناگفته پیدا است که طبق معمول ، حقوق و مزایای آنان بیشتر از همه بود ، و کنترل شدید وزارتخانه ها و ادارات توسط آنها ادامه داشت . در واقع حکومت واقعی باز از آن انگلیسها بود و فقط اسم آن از : «حاکم فرماندار انگلیسی عراق» به «مستشار» و عنوان «عراق تحت قیمومیت» به «عراق مستقل» تبدیل یافته بود ! .

روی این حساب روشن است که هدف نهایی مردم مسلمان ، از انقلاب ملی ، بدست نیامده بود ، زیرا خواست درونی مردم و مقصود از انقلاب ملی ؛ هر گز این نبود که زمامداری از «حجاز» بر آنها «تحویل» شود ، ولی شاید بتوان گفت که علت سکوت موقت مردم در قبال این امر ، از آن نظر بود که آنها فکر میکردند که استقلال ظاهری عراق ، مقدمه پیروزی کامل و استقلال همه جانبه ای است . زیرا خروج نیروهای اشغالگر و عضویت عراق در جامعه ملل متفق از آثار و نتایج استقلال ظاهری بود که استعمار برای اغفال مردم وعده آنرا داده بود ، همین امر ، در آن روز برای مردم عراق خیلی ارجدار بود ، پس از نقطه نظر

اینکه این اوضاع برای استقلال احتیاج تام داشت ، تحمل آن برای مردم مسلمان خیلی سخت و ناگوار نبود .

### علمای شیعه و ملک فیصل

شیعیان عراق ، ( و پیشرو آنان علمای شیعه ) که در واقع پرچمدار انقلاب ضد استعماری بودند ، بهیچوجه نمیتوانستند در این مسئله بی نظر بوده و ساکت بنشینند . . و البته با مقدماتی که برای سلطنت فیصل چیده شده بود ، شیعیان نمیتوانستند با رهبری وی موافق باشند ؛ با اینحال یکی از علمای بنام آنروز مرحوم « شیخ مهدی خالصی » ضمن فتوایی که در تحکیم پایه های قدرت فیصل بی اندازه مؤثر بود ، از مردم خواست که با فیصل مخالفت نکنند و بلکه از وی تبعیت نمایند ، ولی بشرط اینکه فیصل « . . . حتماً مجلس ملی را تأسیس نماید و از سلطه و نفوذ دیگران برکنار شود و در او امر و نواهی هم مستقل باشد » ! .

درواقع این مسائل از شرائط اساسی بیعت مردم با فیصل بود ، ولی وی پس از آنکه روی کار آمد ، بهیچیک از این شروط عمل نکرد ، بلکه در مقابل ، قیومیت انگلستان بر عراق را پذیرفت ، و قرارداد های استعماری ننگینی را امضاء نمود ، و عوض تشکیل مجلس ملی و ایجاد رژیم دموکراسی پارلمانی (۱) که خواست آنروزی مردم عراق بود و هنوز ماهیت اصول پارلمانتاریسم بر مردم روشن نگشته بود - یک نوع دیکتاتوری مستبدانه ای بوجود آورد و حتی باینهم اکتفا ننمود و عناصر ملی و عده زیادی از علمای شیعه را توقیف و بایران تبعید کرد . . .

**« لیخافسکی »** در اینباره مینویسد : « . . . شیعه نسبت بامیر فیصل احساسات گرمی نداشتند زیرا او را تحمیلی میدانستند . . . و در ایران شیعه . . . نسبت بانگلیسها نیز تمایلی نداشتند و با بسیاری از نقشه های مشترک عراق و انگلیس (۱) مخالفت مینمودند ، در ۱۹۲۲ - ملک فیصل بقدری از فعالیت های انتخاباتی ؛ ایشان در زحمت افتاد که چهل نفر از علمای شیعه را بایران بازگردانید ؛ . . . بهر حال شیعیان که در عتبات عالیات سکنی دارند و اجد قدرت مهمی میباشند که هیچ دولتی در عراق نمیتواند از آن غافل باشد . . . » (۲)

انگلستان بدینوسیله عکس العمل خود را در قبال اقدامات انقلابی علماء شیعه ، بدست

(۱) قراردادهای استعماری تحمیلی ضد ملی که موجب ادامه سلطه استعمار میگشت و با استقلال عراق لطمه میزد .

(۲) تاریخ خاور میانه تألیف ژرژ لیخافسکی ترجمه دکتر هادی جزایری . چاپ تهران .

فیصل ، نشان داد ، و پادشاه ایران انقلاب و آنهایکه تکیه گاه ملت بودند بدینسان داده شد ! ! !

فیصل با این اقدام ضدملی میخواست علاوه بر ارضاء ارباب ، پایه های قدرت خود را محکمتر نماید . تادیکر کسی در فکر انقلاب نباشد ؛ ولی تیمید علمائی که همیشه مورد توجه و احترام ملت بودند ، نتیجه معکوس بخشید ، و موقعیت فیصل را بیشتر متزلزل ساخت و دوران سلطنت ۱۲ ساله وی در عراق ، همیشه با حوادث و کشمکش ها و اختلافات گوناگون همراه گردید .

### فیصل در گذشت !

مقدمه استقلال کامل عراق بالاخره صورت عمل بخود گرفت و در سال ۱۹۳۲-م عراق بصورت مجمع ملل متفق پذیرفته شد ، ولی از نظر وضع داخلی ، بازا انگلستان در وضع حکومت تأثیر بسزائی داشت ؛ تا اینکه فیصل در سپتامبر ۱۹۳۳-م در «سویس» بصورت مبهم و بهت آوری درگذشت ؛ و «امیر غازی» جانشین بیست و دو ساله وی ؛ بجای او نشست ولی او در اثر سوء تدبیر ؛ اوضاع مملکت را بکلی درهم و برهم ساخت و اغتشاشات و کودتاهاى بی دریغی در عراق رخ داد ؛ که البته در اغلب آنها «ژنرال نوری سعید» افسر ارتش حجاز ؛ هم بازیگر میدان بود .

پس از چند سال ، در آوریل ماه سال ۱۹۳۹-م امیر غازی در یک حادثه اتومبیل نزدیک بغداد کشته شد ؛ و فیصل دوم که کودک خردسالی بود جانشین وی گشت و دامی او عبدالاله ؛ سر رشته دار کارها گردید و نیابت سلطنت را بعهده گرفت و اوضاع بدتر از دوران امیر غازی گشت .

### عراق در جنگ دوم جهانی

احساسات ضد استعماری مردم بعثت اوضاع مساعدی که پیش آمده بود شدت یافت و کار بجائی رسید که «موتگتول» کنسول انگلیس در «موصل» بدست مردم کشته شد... اوضاع دنیا بشدت بحرانی بود ، و جنگ در تمام جبهه ها ادامه داشت ، و وضع عراق برای انگلستان و جبهه متفقین اهمیت بسزائی پیدا کرد . ولی تظاهرات ضد انگلیسی در سراسر عراق بچشم میخورد و این خود برای بریتانیا سخت ناگوار بود . تا اینکه «نوری-السعید» نخست وزیر شد ؛ بلافاصله اوضاع بنفع بریتانیا عوض شد ، عراق با آلمان قطع رابطه کرد ، . امادوماه مارس ۱۹۴۰-م که «رشید عالی گیلانی» نخست وزیر گشت ، سیاست خارجه عراق تقویت یافت و عراق دوش سطر فدائیت گشت ! .

در همین ایام بود که «حاج امین الحسینی» مفتی سوریه و فلسطین که از داور شلیم، اخراج شده بود، و از رجال دینی ضد انگلیسی بود با یاران خود بیفناد آمد و وجود او در عراق باعث تشدید احساسات ضد استعماری گردید . .

طولی نکشید که در ژانویه ۱۹۴۱-م حکومت رشید عالی کیلانی سقوط کرد و «طه الهاشمی» بجای وی نشست، چندی بعد رشید عالی با چهار نفر از سرهنگ‌های ارتش کودتا کرد و عبدالاله ونوری السعید و دیگران، به اردن و سوریه و فلسطین فرار کردند، (۱) سیاست خارجی عراق از نوع عوض شد؛ و روابط عراق و آلمان صمیمانه تر گردید و همین بهانه شد که انگلستان نیروهای خود را در بصره پیاده کرد و جنگ بین نیروهای عراقی و انگلیسی در گرفت و از طرفی هم عبدالاله و ژنرال نوری سعید با نیروهای امدادی؛ از اردن بمراق حمله کردند و حکومت رشید عالی را شکست دادند و عراق بدست رجال؛ رژیم سابق افتاد و نوبت فرار به رشید عالی رسید او و همکارانش بایران و ترکیه فرار کردند و چند نفر از افسران آنها اعدام شد و خود رشید عالی پس از در بدر بهای زیاد به مصر پناه برد (و پس از تغییر رژیم عراق، بمراق برگشت و بعد از مدتی باتهام قیام علیه رژیم جدید دستگیر و محکوم باعدام گشت؛ و سرانجام آزاد شد) . .

علمای شیعه از نو فتوای جهاد میدهند (در شماره آینده)

(۱) : برای مزید اطلاع از جریان کودتا و هدف آن، که البته بیشتر جنبه ملی داشت رجوع شود به کتاب «الاسرار الخفية فی حوادث السنة ۱۹۴۱ التحریریه» نشریه مجله اسلامی «العرفان» .

از : سندی تایمز

## تربیت این کودکان بهمه چه کسی است؟

یک روزنامه نگار آلمانی در چهارمین کنفرانس بین المللی «زنان روزنامه نگار» در «نورنبرگ» گفت :

«... بزرگترین مشکلی که امروز خانواده های آلمانی با آن روبرو هستند اینست که هنگامیکه ده میلیون زن آلمانی صبح میخوانند منزل را ترک گفته و بسر کار بروند اگر مادر بزرگ؛ در خانه نباشد کودکان خود را بکسی بسپارند؟ و هنگامیکه کودکان ظهر بمنزل بازمیگردند ناهار آنها را چه کسی تهیه کند؟

بهین جهت اکثر کودکان آلمانی که بین سنین شش و ۱۴ سال هستند هنگامیکه صبح از خانه بیرون میروند کلید خانه را بگردن خود آویزان میکنند و به تنهایی ناهار را در منزل خورده و تا ساعت شش بعد از ظهر که مادر آنها از کار برمیگردد تنها در خانه میمانند.» (اطلاعات ۲۹ - مهرمه)